

دکتر نوروز هاشم‌زهی*

معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی**

چکیده:

در این مقاله کتاب جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، نقد و بررسی شده است. این کتاب به مطالعه پدیده اجتماعی جنگ و سازمان نظامی می‌پردازد. گذشته از ویژگی‌های مثبت کتاب چون این اثر در معرض استفاده مداوم دانشجویان علوم اجتماعی قرار دارد، لازم است مورد توجه و نقد قرار گیرد. این گزارش با معرفی اجمالی اثر آغاز و سپس به صورت شکلی و محتوایی به نقد و بررسی آن می‌پردازد. در پایان پیشنهادهایی نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

جنگ، صلح، جامعه‌شناسی نیروهای نظامی، سازمان نظامی، ارتش، نظریه‌های جامعه‌شناسی جنگ و صلح، مسابقه تسلیحاتی.

* دکتری جامعه‌شناسی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (قیام‌دشت)

** جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تألیف دکتر مهدی ادیبی سده، تهران: سمت، اصفهان، دانشگاه

مقدمه

شناخت دقیق و همه‌جانبه جنگ به عنوان پدیده مهم اجتماعی ضروری است. جنگ خسارت‌های فوق‌العاده‌ای به نیروهای انسانی و امکانات مادی جوامع وارد می‌سازد، آسیب‌های روحی و روانی شدیدی بر نیروی انسانی وارد می‌کند. بسیاری از بیماری‌های لاعلاج و طولانی‌مدت، معلولیت‌ها، اضطراب، نگرانی و درد و رنج‌ها همه از بقایا و آثار تخریبی جنگ‌هاست.

از یک نظر، جنگ در مقایسه با بیماری‌های مهلک و کشنده‌ای مانند وبا، مالاریا، طاعون، سرطان و ایدز ترسناکتر و وحشت‌آفرینتر است ولی آیا به میزانی که برای شناخت و علاج آن بیماری‌ها تلاش و کوشش و سرمایه‌گذاری می‌گردد، برای شناخت علل و عوامل جنگ‌ها، متوقف کردن آنها و جلوگیری از وقوع آنها اقدامی صورت گرفته است. جنگ برخلاف بیماری‌های ناشناخته و لاعلاج محصول مستقیم و آگاهانه انسانهاست و برای جلوگیری از بروز و گسترش آن، باید علل و عوامل بروز این پدیده از دیدگاه‌های مختلف و به‌طور عمده دیدگاه جامعه‌شناسانه بررسی و تحلیل شود.

بیش از ۵۰ سال از عمر جامعه‌شناسی جنگ نمی‌گذرد و در این مدت ادبیات مربوط به جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی به رغم اهمیتی که در علوم اجتماعی دوره معاصر پیدا کرده است بویژه در کشورهای در حال توسعه گسترش مناسبی نداشته و کمتر در مجامع علمی و سیاست‌گذاری مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. دلیل این کاستی را باید از یک طرف در ماهیت این شاخه علمی و از طرف دیگر در ویژگی‌های کشورهای کم‌توسعه جستجو کرد.

جنگ از یک نظر امری عادی و فارغ از ابهام جلوه می‌کند، پدیده‌ای به نظر می‌رسد که ارادی و قابل اجتناب است. همه انسان‌ها از جنگ تصوراتی دارند که این تصورات و تجارب آنها را به حیرت نمی‌اندازد و جنگ برای همه عادی است. در کشورهای کم‌توسعه میان جامعه‌شناسان و سازمان‌های نظامی همکاری وجود ندارد، حکومت‌ها برای تحقیقات در این حوزه محدودیت تشکیلاتی، سیاسی و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کنند. به علاوه در کشورهای کم‌توسعه به علت بروز کودتاها پی‌در پی ساختار سیاسی ناپایدار است. به این دلایل مطالعه علمی جنگ در این جوامع گسترش پیدا نکرده است. (بوتل، صص ۳-۱ و ۱۲۵ تا ۱۲۷)

جامعه‌شناسی جنگ و ارتش، به شناخت علمی علل و عوامل، فرایند و پیامدهای جنگ می‌پردازد. این حوزه ویژگی‌های جامعه قبل و بعد از جنگ را مطالعه می‌کند و علل پیدایش

نیروهای نظامی و تحول سازمان ارتش را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

تحلیل سازمان نظامی و شبه‌نظامی، سرچشمه‌های اجتماعی دیوان‌سالاری نظامی و مسابقات تسلیحاتی، از زیرفصل‌های مورد مطالعه این رشته است. تعامل میان سازمان نظامی و خردنظام‌های غیرنظامی و اثرات متقابل جامعه و جنگ از موضوعات قابل بررسی جامعه‌شناسی جنگ است.

جنگ با رویکرد جامعه‌شناختی یک پدیده اجتماعی به حساب می‌آید و سازمان ارتش نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی تلقی می‌شود که دارای کارکردهایی در زمینه دفاع از آزادی، دفاع از حاکمیت کشور و دفاع از سرزمین و کمک به توسعه است.

اجتماعی بودن جنگ بدین معناست که اولاً امری فردی نیست بلکه بیرون از فرد قرار دارد و نوعی ستیز گروهی است. جنگ در ارزش‌ها و هنجارها و قواعد اجتماعی ریشه دارد. ثانیاً خصلت عمومی دارد یعنی این پدیده در تمام جوامع یافت می‌شود، ثالثاً از ویژگی جبری برخوردار است یعنی جنگ نوعی قالب یا الگو جهت هدایت رفتار تعیین می‌کند که گریزی از آن نیست و فرار از آن مجازات دارد.

جنگ همیشه وجود داشته، بنابراین سازمان برای جنگ هم وجود داشته است و به تبع آن ساختن جنگ‌افزاری هم وجود دارد. چهره و سیمای جنگ در هر دوره متفاوت است. بنابراین سازمان و ساخت سلاح و مفاهیم نیز با چهره‌های متفاوت جنگ تغییر می‌کند. به عقیده گیدنز دست زدن به جنگ یکی از آشکارترین ویژگی‌های توسعه اولیه دولت‌هاست و جنگ‌ها و نبردها نقش اساسی در شکل‌دادن به نقشه جهان آن‌گونه که امروز وجود دارد بازی کرده‌اند. (کیدنز، ص ۴۰۷)

جنگ نتیجه‌گریزه‌ذاتی یا ژنتیکی و زیستی نیست. ناکامی ممکن است نتیجه‌های گوناگونی داشته باشد و نه صرفاً جنگ، افراد باید برای کشتن تربیت شوند. جنگ معمولاً برای بدست آوردن سرزمین یا منابع یا به علت برخوردهای عقیدتی یا مذهبی در می‌گیرد. بنابراین ریشه جنگ را در تاریخ و سازمان اجتماعی جوامع باید جستجو کرد. مکانیزم‌های فرهنگی جلوی پرخاشگری را می‌توانند سد کنند، از سوی دیگر مشاهده می‌شود که سربازان درگیر در جنگ از تمام قشرها، قومیت‌ها، نژادها و طبقات هستند. سرچشمه‌های ارتش شرایط مختلف جامعه است. توسعه ارتش امروزی با ظهور صنعتی شدن در قرن هجدهم پیوند نزدیک دارد.

علی‌رغم توسعه کند و نامناسب جامعه‌شناسی جنگ در سال‌های اخیر در ایران، شاهد

ترجمه و تألیف آثاری هر چند اندک در این زمینه هستیم.

معرفی

کتاب جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی اثر دکتر ادیبی سده اولین کار مشترک سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشگاه اصفهان است. این کتاب برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی (علوم اجتماعی) در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی به ارزش دو واحد تدوین شده است. مؤلف که این متن را چندین سال در دانشگاه اصفهان تدریس نموده کوشیده است تا مطالب کتاب حتی المقدور مطابق سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین گردد. چاپ دوم کتاب در بهار ۱۳۸۱ به بازار آمده است. چاپ اول آن پاییز ۱۳۷۹ عرضه شده بود. کتاب ۲۴۴ صفحه ۲۶ سطر دارد. دارای پیشگفتار، فهرست مطالب و منابع بوده، کیفیت کاغذ، نوع چاپ و حروفچینی، کیفیت جلد، صحافی و چسب مناسب است. کتاب در پی پاسخگویی به سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی در دو بخش جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی است که هر بخش فصول مختلفی دارد. بخش اول شش فصل را در بر می‌گیرد. فصل اول به کلیاتی درباره تعاریف جنگ و تبیین‌های مختلف درباره علل و اهداف آن پرداخته است. فصل دوم به سیر تاریخی جنگ، علل و انگیزه‌های ظهور آن در طول تاریخ و انواع و اقسام جنگ توجه کرده است. در فصل سوم ریشه‌های علمی جنگ از چند رویکرد نظری بررسی شده است. در فصل چهارم وضعیت اقتصادی - اجتماعی جوامع درگیر جنگ و در فصل بعد وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه پس از جنگ و مسایل و مشکلات آن بررسی شده است. فصل پایانی به کارکردهای مثبت و منفی جنگ و بحث‌های پراکنده‌ای در مورد جنگ و صلح اختصاص دارد. بخش دوم که اختصاص به جامعه‌شناسی نیروهای نظامی دارد از دو فصل تشکیل شده است. در فصل اول تعاریف مختلف و ارکان و ویژگی‌های سازمان نظامی و وجوه افتراق آن با سایر سازمان‌ها مطرح شده است. در فصل دوم نزاع و اقسام ارتش‌های جهان در طول تاریخ و کارکردها، نقش نظم و انضباط در ادامه حیات آن و آینده سازمان نظامی مورد بررسی قرار گرفته است.

برجستگی‌های کتاب

این کتاب در مقایسه با کتاب‌های مشابه در این زمینه امتیازات زیادی دارد. اولین اثری است که نویسنده آن تلاش کرده تا سرفصل‌های مورد نیاز برای یک درس دو واحدی دانشگاهی را رعایت کند و به مسائل نظامی ایران نیز بپردازد. معدود آثاری که در سال‌های اخیر در این باره منتشر شده‌اند اغلب ترجمه منابع قدیمی خارجی است. علاوه بر آن تحقیقاتی که در ایران طی چند دهه گذشته در زمینه مسایل نظامی و جنگ و ساختار تشکیلاتی نیروهای مسلح انجام گرفته‌اند، بیشتر جنبه تبلیغاتی و ژورنالیستی دارند و هیچ پیوندی با مراکز علمی - پژوهشی ندارند و از تجارب دانشگاهیان بی بهره مانده‌اند، ضمناً تحلیل‌ها بیشتر در چارچوب و قلمرو علم سیاست قرار دارند و بُعد جامعه‌شناسانه آنها بسیار ضعیف است. (نگاه کنید به: ارغندی، صص ۱۵ و ۱۴) اما کتاب مورد نقد این مزیت را دارد که با رویکرد جامعه‌شناختی به موضوعات می‌پردازد.

دکتر ادیبی سده علاوه بر رعایت سرفصل‌ها مطالب جدیدی را مطرح کرده و شواهدی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز آورده است. با وجود امتیازات زیاد این کتاب نکات قابل تأمل و کاستی‌هایی نیز در آن مشاهده می‌شود که در زیر به آن می‌پردازیم.

نقدهای محتوایی و کاستی‌ها

- ۱- بخش دوم کتاب علی‌رغم اهمیت مطالعه ابعاد جامعه‌شناختی ارتش و سازمان‌های نظامی به اجمال ارائه شده است.
- ۲- در مقدمه کتاب ادعا شده که ریشه‌ها و علل جنگ از دید روانشناسان، سیاستمداران، اقتصاددانان و حقوق‌دانان در فصل سوم بخش اول کتاب بررسی خواهد شد، اما در متن کتاب چنین چهارچوب منسجمی به چشم نمی‌خورد بلکه بحث‌های پراکنده‌ای در قالب جنگ و اندیشه نظامی در تفکرات صاحب‌نظران جهان و دیدگاه‌های مختلف درباره جنگ ارائه شده است.
- ۳- محقق در فصل سوم در بررسی ریشه‌های علمی جنگ دسته‌بندی‌های ضد و نقیضی ارائه کرده است. دیدگاه جامعه‌شناختی و جنگ (ص ۵۵)، دیدگاه کارکردگرایی و جنگ (ص ۵۹)، تبیین مارکسیستی جنگ، (۱۶)، نظریه پردازان اجتماعی جنگ (ص ۶۴)، نظریه‌های جامعه‌شناختی جنگ (ص ۶۵)، داروین‌یسم اجتماعی (ص ۶۷) و نظریه ستیز (ص ۶۸). در فصل کلیات نیز روشن نشده آیا دو تبیین اسلامی و مارکسیستی از جنگ تبیین جامعه‌شناختی

است یا غیرجامعه‌شناختی؟ آیا دیدگاه کارکردگرایی، یک تبیین جامعه‌شناختی نیست؟ تبیین مارکسیستی چطور؟ آیا نظریه پردازان اجتماعی همان افرادی نیستند که در دیدگاه جامعه‌شناختی آرای آنان به بحث گذاشته می‌شود؟ آیا داروینیسیم اجتماعی و نظریه‌ستیز ذیل نظریه‌های جامعه‌شناختی نمی‌گنجد. نویسنده مطالب پراکنده‌ای را بدون قالب مشخص و منطقی در کنار هم قرار داده است. این‌گونه مطالب خواننده را عصبی و دانشجویان را کسل و نسبت به نظریه‌های جامعه‌شناختی جنگ بدبین می‌سازد.

۴- ایراد دیگر متن تکرار نامناسب برخی از مباحث است.

بنگرید آراء کنت را درباره جنگ در ص ۵۷ کتاب و نظریات او را درباره جنگ و صلح در صفحه ۱۹۶ کتاب. همچنین مقایسه کنید آراء اسپنسر را در صفحه ۶۰ و دوباره در صفحه ۷۰. در صفحه ۱۱۴ یک عنوان اصلی به بررسی علل روانشناختی جنگ اختصاص یافته در حالی که قبل از آن ریشه‌های جنگ با رویکرد روانشناختی در صفحه ۱۴ مورد بحث قرار گرفته است. بسیاری از مباحثی که در صفحات ۱۵۷ و ۱۵۸ تحت عنوان منش ملی و جنگ نوشته شده تکرار مباحث جنگ و فرهنگ در صفحات ۹۱ تا ۹۳ است. در صفحه ۱۸۸ کارکردهای جنگ فهرست شده است در حالی که قبل از آن و هنگام تبیین دیدگاه کارکردگرایی و جنگ و در جاهای دیگر بارها کارکردها مورد بحث قرار گرفته است. به علاوه برخی از کارکردهای مثبت نه خاص جوامع امروزی بلکه مختص جوامع قدیم است. (بند ۵ در صفحه ۱۸۹) یا برخی کارکردها مثل جابجایی جمعیت به نظر امروزه ضد کارکرد می‌رسد.

۵- مباحث غیرضروری، بی ارتباط و آشفته فراوانی در متن مشاهده می‌شود. محقق در صفحه ۶۰ آراء چندین صاحب‌نظر را تحت عنوان دیدگاه کارکردگرایی و جنگ تلفیق کرده و نتیجه منطقی از آنها نگرفته است. در صفحه ۱۴۸ موارد چهارگانه‌ای بدون پیوند مشخصی با قبل و بعد از خود فهرست شده است. در صفحات ۱۷۸ تا ۱۸۴ سازمان و شرح وظایف بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی، بنیاد جانبازان و بنیاد شهید آمده است در صورتی که این سازمان‌ها نهادهای موقت بوده و شرح وظایف آنها نیز پیوسته در حال تغییر است و چه ضرورتی دارد که در یک متن درسی گنجانده شود.

۶- در مواردی جملات نامفهوم و نارساست، شاید اخذ و اقتباس گسترده محقق از نویسندگانی با سبک‌های مختلف و متون مختلف ترجمه شده، کتاب را به این مشکل دچار کرده است. به مثال‌های زیر رجوع شود:

صفحه ۶۳ سطر ۱۶: «او درباره جنگ تحت عنوان مشخص‌ترین نمونه عامل جمعی نام می‌برد».

صفحه ۷۳ سطر ۹: «... بلکه به علت افزایش خیره‌کننده شدت تخریب و کشتار وقوع احتمالی جنگ بین کشورهاست که آنها را وادار به پذیرش صلح و عدم تمایل به جنگ نموده...»
صفحه ۱۹۷ سطر ۲۱: «... جامعه‌شناسی علم تفهیمی کنش اجتماعی است و تفهم مستلزم درک معنایی است که فاعل برای رفتار خویش کنش می‌پذیرد...»

صفحه ۱۶۸ سطر ۱: «... مهمترین نهادی که بررسی آن حائز اهمیت است، نهاد اجتماعی است». آیا مگر فقط یک نهاد اجتماعی وجود دارد!؟

صفحه ۱۶۸ سطر ۹: «یکی از تغییرات دیگری که در مشخصات سنی جمعیت پدیدار می‌گردد تغییر در نسبت جنسی است یعنی به علت مرگ و میر زیاد مردان جمعیت مردان و زنان تقریباً مساوی می‌گردد.» احتمالاً مشخصات جنسیتی درست است.

۷- کتاب از کاستی‌های روشی زیادی در رنج است. مفهوم سازی مناسب صورت نگرفته است. مقوله‌بندی‌ها روشن نیست ذیل هر عنوان و مقوله مطالب اقتناع‌کننده و مورد انتظار دانشجویان لحاظ نشده است. میزان اخذ و اقتباس از منابع دیگر روشن نیست (مرز اندیشه نویسنده و اقتباس از دیگران دقیق نیست). برای نمونه: در صفحه ۷۳ عنوانی به صورت جنگ و اندیشه نظامی در تفکرات صاحب‌نظران جهان آمده که اغلب اقتباس از دیگران است و افکار دیگران، با اندیشه نویسنده قابل تفکیک نیست. مباحث مربوط به سازمان نظامی که در صفحات ۲۰۶ تا ۲۱۴ آمده خلاصه‌ای از مقاله، «شناخت سازمان نظامی» است که با همین عنوان در مجله سیاست دفاعی به چاپ رسیده است. (حسینی، صص ۸۳ تا ۱۱۱)

از اهداف و نیازهای جامعه در حال جنگ دسته‌بندی مناسبی به عمل نیامده است. (به صفحات ۱۲۰ تا ۱۲۲ رجوع شود). بحث ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه در حال جنگ و جامعه پس از جنگ که در دو فصل جداگانه مطرح شده کلاً آشفته و سازمان نیافته است. بسیاری از مباحث در هر دو فصل تکرار شده است. در صفحه ۱۴۴ ذیل تبلیغات و جنگ نظریه دریان‌کور^(۱) مطرح شده اما تمایز مفاهیم ابزار، ابزار فنی و ابزار انسانی قابل درک نیست. به سختی می‌توان یک تعریف جامعه‌شناختی که انواع و اقسام جنگ‌های مطرح شده در کتاب را

پوشش دهد پیدا کرد، مثل جنگ داخلی، جنگ انقلابی، جنگ اقتصادی، جنگ ستارگان، جنگ اطلاعاتی و جنگ تمدن‌ها. این مفاهیم با تعریف جامعه‌شناختی که از جنگ در کتاب آمده مغایرت دارد. در صفحه ۲۸ و ۲۹ ویژگی‌ها و اجزایی برای جنگ برشمرده شده اما معلوم نیست این اجزاء و ویژگی‌ها با کدام تعریف جنگ سازگار است. نقل ویژگی‌ها بدون تحلیل و نقد بر ابهامات می‌افزاید. در اهداف جنگ‌ها (صص ۲۶ و ۲۷) مطالب مطرح شده که تکراری از مباحث علل شروع جنگ‌ها در ادوار تاریخی (صص ۱۸ تا ۲۳) است. نظریه جنگ و صنعت که در صفحه ۶۹ آمده با سرفصل‌های قبلی تناسب ندارد.

مشخصات منبع جدول شماره ۱ در صفحه ۲۲۹ و هرم سنی جمعیت فرانسه در صفحه ۲۳۱ در کتابنامه وجود ندارد.

۸- برخی از جملات و پاراگراف‌های کتاب نشان می‌دهد که نویسنده یا آنها را در گذشته نسبتاً دور نوشته و یا دقت لازم را نداشته است.^(۱)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱- تحول و تکامل نظریات علمی امری طبیعی است، طرح و بررسی و نقد آثار و آراء اندیشمندان در یک جامعه علمی زنده و با نشاط از ضروریات است. از آنجا که بومی کردن تئوری‌های جامعه‌شناسی جنگ در جامعه ایران امری ضروری می‌باشد، کندوکاو در آثار منتشره در این باره لازم به نظر می‌رسد و کتاب جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی بنا به ضرورت‌های فوق تألیف شده اما کاستی‌هایی در آن وجود دارد که برای بازنگری و اصلاح کاستی‌ها و بهبود کیفی اثر در چاپ‌های احتمالی آتی پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱- چهارچوب نظری تدوین و نگارش کتاب اصلاح شود مباحث در یک قالب مشخص و منطقی سازماندهی گردد. به ویژه در قالب‌هایی که ریشه‌های علمی جنگ و نظریه‌های جامعه‌شناسی جنگ ارائه شده‌اند تجدیدنظر گردد.

۲- حد و مرز مطالب مؤلف از مباحث اقتباس شده از دیگران روشن شود.

۱- صفحه ۹۹ سطر ۱ تا ۴ که مربوط به زمان شوروی سابق است و اینک هیچ کاربردی ندارد. همچنین ص ۱۷۰ پاراگراف نخست که زمان آن سپری شده است. پاورقی صفحه ۲۲۱ که به نظر نمی‌رسد در این زمان درست

۳- از مفاهیم اولیه تعاریف جامعه‌شناختی قابل قبول و منطقی ارائه شود به نحوی که انواع جنگ‌ها را تحت پوشش قرار دهد.

۴- میان فهرست مطالب و عناوین هر پاراگراف با محتوا سازگاری برقرار شود.

۵- مباحث قدیمی و اغلاط تایپی و ترجمه‌های نامناسب اصلاح و مطالب تکراری حذف شود.

۶- با توجه به نقش و اهمیت دیوانسالاری نظامی در جنگ‌های آینده و تحولات سازمان نظامی به بخش دوم کتاب مباحث جدیدی اضافه شود.

کتابنامه:

- ۱ - بوتول، گاستون، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- ۲ - گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- ۳ - ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۴)، ارتش و سیاست، تهران: نشر قومس.
- ۴ - حسینی، حسین، (۱۳۷۳)، سازمان نظامی، «نگرش جامعه‌شناختی»، سیاست دفاعی، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص ۸۳ تا ۱۱۱.